یادداشت روز

جنگ اراده‌ها

روزگاری «حسن طهرانی‌مقدم» در آبادان محاصره شده منتظر سهمیه روزانه گلوله خمپاره می‌ماند تا به سمت دشمن بعثی شلیک کند. سهمیه او یک گلوله خمپاره در هر روز بود! اگر دو تیم دیگر خمپاره مســـتقر در آبادان را هم در نظر بگیریم آنها نهایتا می‌توانستند سه خمپاره در روز به سمت دشمن شلیک کنند! در مقایسه با ده‌ها خمپاره و گلوله توپی که ارتش بعث صدام روزانه به سمت آنها شلیک می‌کرد؛ امکانات آنها تقریبا هیچ به‌حساب می‌آمد.

با این حال آنها هرگز در «جنگیدن» شـــک نکردند. «جنگ» بیش از آنکه معرکه برتری ادوات و نفرات باشد؛ محک غلبه اراده‌هاست. چهار سال بعد «حسن طهرانی‌مقدم» مشغول سر و کله زدن با مستشاران لیبیایی مستقر در ایران بود که طبق قرار باید موشک‌های اسکاد تهیه شده از لیبی را به سمت مواضع رژیم صدام شلیک می‌کردند. مستشاران پرحاشیه‌ای که هر بار بهانه جدیدی برای کارشکنی و متوقف کردن عملیات می‌آوردند. نهایتا پس از شلیک ۲۱ موشک، مستشاران لیبیایی ۲ دی ۱۳۶۵ دیگر حاضر نشـــدند پای سکوی پرتاب موشک بروند. آنها در بدترین زمان ممکن، یعنی درســـت زمانی که ایران عملیات کربلای ۴ را آغاز کرده بود و به حمله موشکی برای انهدام مواضع دشمن احتیاج داشت؛ کار را برای همیشه زمین گذاشتند.

«حسن طهرانی‌مقدم» و دوستانش در گروه «حدید» با وجود این اتفاقات اما باز هم ذره‌ای در «جنگیدن» تردید نداشتند. وقتی محسن رضایی، فرمانده وقت ســـپاه پاسداران از او پرسید: «آیا خودتان می‌توانید موشک را شلیک کنید؟»، او با قاطعیت پاسخ مثبت داد. «طهرانی‌مقدم» آن لحظه نمی‌دانست چه چیزی در انتظار اوست اما اگر هم می‌دانست، مردی نبود که میدان را خالی کند. ماجرا فقط شلیک موشک نبود. با حاضر شدن گروه ایرانی پای موشک‌ها و سکوهای پرتاب و بررسی تجهیزات، آنها طی چند روز متوجه شدند مستشاران لیبیایی حدود ۲۵ قطعه حساس را جدا کرده و با خود برده‌اند؛ لیبیایی‌ها همچنین دست به خرابکاری در بعضی اجزای دیگر موشک‌ها و سامانه‌های پرتاب زده و برخی قسمت‌ها را نیز دستکاری کرده بودند.

حالا یک بهانه محکم برای «ناامیدی» و رها کردن کار وجود داشـــت. «نبود قطعات»، «تحریم»، «خیانت و عدم همکاری دوستان» و... بهانه‌هایی است که این روزها هر دولت غرب‌گرایی با اســـتناد به آن کارهای کشور را معطل می‌گذارد و نشانی کاخ ســـفید را می‌دهد؛ اما آن روزها «حســـن طهرانی‌مقدم» و گروهش هیچ‌کـــدام از این بهانه‌ها را نیاوردند. آنها بی‌بهانه می‌جنگیدند. چند بار تا لحظه پرتاب موشـــک رفتند و هر بار متوجه یک ایراد جدید در سامانه‌ها شدند. آنها با تکیه بر توان خودشان و کار شـــبانه‌روزی ظرف ۱۷ روز توانستند قطعات لازم را بســـازند، اجزای معیوب را تعمیر کرده و همه نقایص را برطرف کنند. سرانجام صبح روز یکشنبه ۲۱ دی ۱۳۶۵ «حسن طهرانی‌مقدم» و گروهش توانستند اولین موشک را خودشان به تنهائی شلیک کنند.

بیش از ۳۸ سال از آن روز می‌گذرد. موشـــک اسکاد با برد ۳۰۰ کیلومتری و دقت ۱۰۰۰ متری عاریه گرفته شـــده از لیبی، جای خود را به انواع موشک‌های ســـاخت داخل با بردهای مختلف تا بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر و با کمترین خطا داده است. ایران همچنان تحت تحریم موشکی است اما به همت «حسن طهرانی‌مقدم» و همرزمانش این تحریم نه‌تنها اصلا احساس نمی‌شود بلکه کشور تحریم‌کننده یعنی آمریکا حالا نگران صادرات موشک‌های ایران به کشورهای دیگر است.

«حســـن طهرانی‌مقدم» و دوستانش فقط یکی از پاسخ‌های عینی و ملموس به سؤال «مذاکره نکنیم؛ چه کنیم؟» هستند. جوانان و متخصصان ایرانی پاسخ به این ســـؤال را سال‌هاست که زندگی می‌کنند. ســـال ۱۹۸۰ (۱۳۵۸ شمسی) شرکت آمریکایی AMF آماده انتقال سوخت مورد نیاز رآکتور تحقیقاتی تهران به ایران بود که دولت آمریکا علی‌رغم تعهدات قانونی شرکت آمریکایی، مانع از انتقال سوخت هسته‌ای به ایران شد. همان سال شرکت آلمانی کرافت‌ورک‌یونیون (KWU) که طبق قرارداد موظف به ساخت و تأمین سوخت مورد نیاز نیروگاه اتمی بوشهر بود، کار را رها کرد و از وظایفش سر باز زد. این در حالی بود که ۸۰ درصد از عملیات ساختمانی نیروگاه بوشهر به پایان رسیده و ۷۰ درصد از سوخت موردنیاز آن نیز تولید شـــده و آماده تحویل به ایران بود. با تمام مذاکرات و پی‌گیری‌های بعدی آنها نه کار نیروگاه را به پایان رســـاندند و نه حاضر به تحویل سوخت آماده شده به ایران شدند. تقریبا همان ســـال‌ها بود که شرکت فرانسوی کومورکس (COMOREX) نیز با دخالت دولت فرانســـه و برخلاف تعهدات قانونی‌اش از تحویـــل ۵۰ تن UF6 به ایران خودداری کرد. این بار هم مذاکرات و پی‌گیری‌های بعدی به نتیجه نرسید و حتی با وجود حکم دادگاه لوزان به نفع ایران، دولت فرانسه اجازه انتقال ۵۰ تن هگزا فلورایدِ اورانیوم(UF6) را به ایران نداد.

یک بار دیگر جوانان و متخصصان ایرانی دست به کار شدند و توانستند پس از چند سال تلاش ۲۰ فروردین ۱۳۸۵ اورانیوم را در سطوح پایین غنی‌سازی کرده و سوخت موردنیاز نیروگاه هسته‌ای را به صورت آزمایشگاهی تولید کنند اما هنوز تا تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای در مقیاس صنعتی فاصله داشتند. با اتمام ذخایر سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران در سال ۱۳۸۷ ایران با یک چالش جدی مواجه شد. این رآکتور که برای تولید رادیوداروها مورد استفاده قرار می‌گرفت با سوخت اورانیوم ۲۰ درصدی فعالیت می‌کرد و با اعمال فشار آمریکا هیچ کشوری حاضر به فروش سوخت به ایران نشد.

ناکامی مذاکرات و عهدشکنی طرف‌های غربی یک بار دیگر اینجا خودش را نشان داد. اردیبهشت ۱۳۸۹ (می ۲۰۱۰) ترکیه و برزیل با چراغ سبز آمریکا وارد گفت‌وگو با ایران برای تبادل سوخت هســـته‌ای شدند که طی آن قرار بود ایران ۱۲۰۰ کیلوگرم از اورانیوم کم غنی شده (LEU) خود را در ترکیه به امانت بگذارد و در ازای آن گروه وین (آمریکا، فرانسه، روسیه و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) ۱۲۰ کیلوگرم ســـوخت مورد نیاز رآکتور تحقیقاتی تهران را تامین کنند. پس از موافقـــت تهران و امضای توافق با ترکیه و برزیل اما آمریکا زیر میز زد و حاضر به تبادل سوخت نشد.

درست مثل «حسن طهرانی‌مقدم» و همرزمانش این بار «مجید شهریاری» و همکارانش میدان را خالی نکردند. آنها پای کار ایســـتادند و شـــهریور ۱۳۸۹ سوخت اورانیوم ۲۰ درصدی را خودشان تولید کردند. این گام تقریبا پیچیده‌ترین و سخت‌ترین مرحله صنعت هسته‌ای ایران بود که با عبور از آن دیگر هیچ مانع فنی‌ای بر سر مسیر هســـته‌ای ایران وجود نداشت. حالا دیگر ایران توانسته بود چرخه سوخت هسته‌ای را با غنای بالا و در مقیاس صنعتی تکمیل کند.

تحریم‌های صنعت هســـته‌ای ایران هنوز هم پابرجاست اما تقریبا هیچ‌کس اثـــر آن را بر این صنعت حـــس نمی‌کند. ایران به اتـــکای جوانان و متخصصان داخلی تأسیســـات هسته‌ای‌اش را توسعه داد، غنی‌سازی را به ۶۰ درصد رساند و سانتریفیوژهایش را تا نسل نهم(IR9) ارتقا داد. حالا کشورهای که زمانی ارسال سوخت هســـته‌ای به ایران را تحریم کرده بودند؛ دغدغه‌شان این است که چرا خودتان سوخت هسته‌ای تولید کردید و اصلا چرا این‌قدر پیشرفت کردید؟!

همان سال ۱۳۸۹ بود که متخصصان ایرانی این بار در صنعت نفت پاسخ سؤال «مذاکره نکنیم؛ چه کنیم؟» را دادند. از بهار ۱۳۸۸ سناتورهای آمریکایی سخت مشـــغول بررســـی و تصویب لایحه‌ای بودند که واردات بنزین به ایران را تحریم کند. مهر ۱۳۸۸ سناتور «جان کایل» به CNN گفت: «گذاشتن چماق روی میز، درست‌ترین شیوه است.... به نظر من، باید این لایحه را تصویب کنیم، زیرا مستقیم به قلب نقطه ضعف ایران خواهد زد. آنها ۴۰ درصد بنزین پالایش شده خود را وارد می‌کنند. این لایحه به شرکت‌هایی که به ایران بنزین می‌فروشند، می‌فهماند که نمی‌توانند به این معامله ادامه دهند.» سناتورهای آمریکایی نقطه ضعف ایران را درست شناسایی کرده بودند. آن سال‌ها واردات بنزین در ایران در اوج خود قرار داشت طوری که این واردات با روندی افزایشی در سال ۱۳۸۵ به ۳۰ میلیون لیتر در روز هم رســـیده بود. زنگ خطر برای ایران به صدا درآمد؛ خوشبختانه این بار کســـی وقت را برای مذاکره تلف نکرد. دولت وقت ایران توانست با اجرای مرحله نخست هدفمندی یارانه‌ها، ضمن مدیریت مصرف سوخت، مصرف و واردات بنزین را به‌شدت کاهش دهد اما همچنان نیاز به واردات حداقل ۱۰ میلیون لیتر بنزین در روز وجود داشـــت. این بار نوبت به متخصصان صنعت نفت رسید تا آستین همت را بالا بزنند. آنها توانســـتند ظرف مدت کوتاهی مکمل‌های جدیدی برای تولید بنزین بســـازند و با پای کار آوردن ظرفیت مجتمع‌های پتروشیمی، بنزین مورد نیاز داخل را تأمین کنند. سناتورهای آمریکایی لایحه تحریم صادرات بنزین به ایران را تصویب کردند اما این اقدام آنها تقریبا هیچ تأثیر ملموسی بر زندگی مردم ایران نگذاشت. مدتی بعد مهندسان و متخصصان ایرانی با بهره‌برداری از پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس یک گام بلند دیگر در تولید بنزین و خودکفایی ایران برداشتند. آنها حتی توانستند انحصار آمریکا در تولید کاتالیست‌های حساس را بشکنند و کاتالیســـت‌های پالایشگاهی مورد نیاز برای تولید بنزین با اکتان بالا را خودشان بســـازند. ایرانی که قرار بود با تحریم بنزین به زانو درآید به پشتوانه توانمندی داخلی‌اش نه‌تنها به زانو درنیامد بلکه به صادرکننده بنزین نیز تبدیل شد.

این روایت‌ها را می‌شود با روایت تولید واکسن کرونا، توسعه و بهره‌برداری از فاز ۱۱ پارس جنوبی، تعمیر و نگهداری جنگنده‌های نیروی هوایی، ساخت و پرتاب ماهواره، تولید داروهای نوترکیب، پیشتازی در میکروبیولوژی و کار با سلول‌های بنیادی و... تکمیل کرد. ایران اسلامی پر است از روایت‌های «خواستن و توانستن»؛ جنگ امروز، جنگ اراده‌هاســـت و پیروزی نصیب کسی است که بدون تردید در مسیر، تنها به هدف فکر کند.

«مذاکره نکنیم؛ چه کنیم؟» ســـؤال کسی است که از تحولات دهه‌های اخیر ایران کاملا بی‌اطلاع است. کســـی که هنوز نمی‌داند رهبر انقلاب ۲۸ آبان ۱۳۹۸ پاسخ این سؤال را خیلی صریح و شـــفاف داده است: «آنچه بنده می‌فهمم، این تحریم حالاحالاها هست، باید باشد و خواهد بود... راهبرد اساسی ما مصون‌سازی اقتصاد از تحریم است؛ آسیب‌ناپذیر کردن و درواقع مسلّح کردن انقلاب به سلاح تولید داخلی و اراده داخلی و مانند اینها. اگر توانســـتیم با تکیه بر توان داخلی، تحریم را بی‌اثر بکنیم، آن عامل تحریم‌کننده هم از تحریم دست برمی‌دارد.»

بر همین اساس بود که رهبری ۵ تیر ۱۴۰۳ نسبت به حضور مدیران ناکارآمد در ساختار اجرائی کشور هشدار دادند: «[بعضی] خیال می‌کنند که همه راه‌های پیشرفت از آمریکا می‌گذرد؛ نه، اینها نمی‌توانند [از ظرفیت‌های کشور استفاده کنند]. این کسانی که چشم‌شان به خارج از مرزهای کشور است، این ظرفیّت‌ها را نمی‌بینند؛ وقتی ندیدند، وقتی قدرش را ندانستند، طبعاً برای استفاده از آنها برنامه‌ریزی هم نمی‌کننـــد.» و خطاب به رئیس‌جمهور آینده ایران فرمودند: «آن کســـی که دلبسته آمریکا باشد و تصوّر کند که بدون لطف آمریکا نمی‌شود قدم از قدم برداشت در کشور، او برای شما همکار خوبی نخواهد بود، او از ظرفیّت‌های کشور استفاده نخواهد کرد، او خوب مدیریّت نخواهد کرد.»

سید محمدعماد اعرابی

عراقچی:

تروئیکای اروپایی را عضو برجام نمی‌دانیم

بازگشت قطعنامه شورای امنیت دیگر اهمیت و اثرگذاری سابق را ندارد

وزیر امور خارجه گفت: تأثیر اقتصادی اســـنپ‌بک و بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت بیش از وضعیت موجـــود نخواهد بود. تحریمی بیش از آنچه اکنون وجود دارد، وضع نخواهد شـــد. چون من مشاهده می‌کنم که بسیاری از مردم یا حتی برخی مســـئولان تصور می‌کنند که اگر اسنپ‌بک فعال شود، تحریم‌ها بازمی‌گردند.

ســـید عباس عراقچی، وزیر امور خارجـــه جمهوری اســـلامی ایران در گفت‌وگو با ایرنا در پاســـخ به ســـؤالی درباره رویکرد سیاست خارجی دولت پس از جنـــگ ۱۲ روزه گفت: رویکرد دولت چهاردهم، رویکردی روشن است. ما به‌دنبال افزایش تعاملات دیپلماتیک بوده‌ایم، به‌ویژه در منطقه و در محیط همســـایگی. از تعامـــل دیپلماتیک با کشورهای غربی، از جمله ایالات متحده آمریـــکا و مذاکره با آمریکا در موضوع هســـته‌ای نیز هرگز ابـــا نکرده‌ایم. در این زمینه برنامه‌ریـــزی کرده و حتی اقدام هم کرده‌ایم. همه شـــاهد بودند که ما پنج دور مذاکره داشـــتیم که در نهایت، به جنگ منتهی شد. به‌عبارت دیگر، رویکرد ما اســـتفاده از مذاکره و ابزار دیپلماسی در روابط خارجی بوده و تقویت این رویکرد مدنظر قرار گرفته است. وی اظهار داشت: مذاکره با آمریکا باید در زمان خودش انجام شـــود. هر مذاکره‌ای یک زمان خاص دارد که به آن «بلوغ مذاکراتی» می‌گویند و باید به آن بلوغ برسد تا انجام شود. از نظر من، ما هنوز به آن نقطه بلوغ نرسیده‌ایم که یک مذاکره مؤثر با آمریکا صورت گیرد. به نظر من، آمریکایی‌ها هنوز به نقطه‌ای نرســـیده‌اند که وارد یک مذاکره برابر شـــوند. اگر هم دنبال مذاکره هستند، می‌خواهنـــد چیزی را کـــه در صحنه نظامی نتوانستند به دست آورند، حالا در پشت میز مذاکره از من بگیرند که نخواهند توانست. من وارد این مذاکره نخواهم شد که حقوق ملت ایران را که بمباران کردند ولی نتوانســـتند از بین ببرند، نادیده بگیرم. آنها نتوانســـته‌اند نقطه اطمینان‌بخشـــی ایجاد کنند که ایران دیگر هرگز غنی‌ســـازی نخواهد کرد، چون نتوانســـته‌اند پشـــت میز مذاکره امضای ما را بگیرند که این کار را نمی‌کنیم. این مذاکره نیست.

عراقچی در ارتباط با دیپلماســـی منطقه‌ای وزارت امور خارجه در سال اخیر گفت: دیپلماســـی منطقه‌ای ما بســـیار مؤثر بود. یادم هســـت در یک فاصله زمانـــی کوتاه تقریبـــاً به همه کشورهای منطقه ســـفر کردم و یک فهم جمعی در منطقه شکل گرفت که جنگ به نفع هیچ کس نیســـت و اگر جنگ در منطقه گســـترش پیدا کند، می‌تواند خســـارت‌های زیانباری برای همه کشـــورهای منطقه داشته باشد. این دقیقاً خواست رژیم صهیونیستی است که هیچ کشوری در منطقه قوی نباشد. آنها می‌خواهند منطقه ضعیف، پراکنده و فروپاشیده باشد. نباید اجازه بدهیم رژیم صهیونیستی به این هدف خود برسد و آتش جنگ را در منطقه گسترده کند.

گاهی جنگ اجتناب‌ناپذیر است

وزیر امـــور خارجـــه در ارتباط با خواســـته غیر ممکن آمریـــکا درباره غنی‌سازی صفر گفت: خواسته آمریکا از ابتدا این بود که ایران توانمندی ساخت سلاح هسته‌ای نداشته باشد. برخی آنها را قانع کردند که با وجود غنی‌ســـازی، این توانمندی همیشـــه وجود خواهد داشت و بنابراین خواسته آنها به معنای «غنی‌سازی صفر» شد. از روز اول و از دور اول مذاکره هم همین خواسته را داشتند. البته گاهی در میان مذاکرات ما تلاش می‌کردیم آنها را به این نقطه برسانیم که تحقق خواسته عدم سلاح هســـته‌ای الزاماً با وجود غنی‌ســـازی تناقض ندارد. سیاست ما قطعی است؛ بر اســـاس فتـــوا، اصـــول و اعتقادات خودمان، ما سلاح هسته‌ای نمی‌خواهیم اما غنی‌ســـازی را می‌خواهیم داشـــته باشـــیم؛ هم برای نیازهای خودمان و هـــم به عنوان حقی کـــه داریم و باید اجرا شود، و هم به عنوان یک دستاورد علمی ارزشـــمند که خودمـــان به آن رسیدیم. در مواقعی برخی پیشنهادات می‌توانست کارساز باشد، اما وقتی این پیشنهادات به واشنگتن می‌رفت، دوباره تصمیمشـــان عوض می‌شد. واضح بود که لابی قوی‌تری در واشنگتن بر آنها تأثیرگذار است.

عراقچی خاطرنشان کرد: من قبلاً این موضوع را پاسخ داده‌ام؛ تصمیمات نظام فراتر از وزارت امور خارجه گرفته می‌شـــود و وزارت امور خارجه مجری این تصمیمات اســـت. در اجرای این تصمیمات دســـت باز داریم و در زمان تصمیم‌گیری نیـــز می‌توانیم نظرات و تحلیل‌های خـــود را مطرح کنیم، که این هم به طور کامل امکان‌پذیر است. اما وقتی تصمیمی گرفته شـــود، دیگر مجری نمی‌تواند بگوید من دســـت باز می‌خواهم تا هر طور که دلم خواست عمل کنم. این با هیچ قاعده‌ای سازگار نیســـت؛ نه عقل و منطـــق، نه اصول حکومت‌داری و نه نظم سازمانی چنین اجازه‌ای می‌دهد. مثل این می‌ماند که در ارتش برای یـــک عملیات تصمیم گرفته شود، بعد یک سرباز وسط جنگ بگوید این عملیات را قبول ندارم و هر جور دلم خواست عمل کنم.

وزیر امور خارجه همچنین گفت: حس من این است که یک التهاب، یک اضطراب و یک بلاتکلیفی غیرمعمولی بیشـــتر از آن چیزی که باید باشد، به جامعه ما تزریق می‌شود و ما نباید اجازه دهیم این تزریق صـــورت بگیرد. این معنایش این نیست که مراقب نباشیم که جنگی صورت نگیرد، معنایش این نیســـت که احتیاط‌های لازم را انجام ندهیم، ولی معنایش این اســـت که از آن سوی دیگر هم نیفتیم.

چیزی که جلوی جنگ را می‌گیرد آمادگی برای جنگ است

عراقچی خاطرنشان کرد: بعضی‌ها در دیپلماسی و جنگ از این سوی بوم می‌افتند؛ یعنی مذاکره را همیشه خوب می‌دانند و راه‌حل همه چیز می‌دانند و جنگ را همیشه بد می‌دانند. باز تکرار می‌کنـــم، آنجایی که باید بجنگی باید بجنگـــی و آنجا که نباید بجنگی نباید بجنگی. مذاکره هم همین‌طور اســـت. الان این تصور که چون احتمال جنگ وجـــود دارد، پس بایـــد برویم مذاکره کنیم، جوابش این است که مگر مذاکره نمی‌کردیم که جنگ شد؟ پس مذاکره لزوماً جلـــوی جنگ را نمی‌گیرد. ما از همه جهت باید آماده باشـــیم. چیزی که جلـــوی جنگ را می‌گیرد، آمادگی برای جنگ اســـت. اگر دشمنان شما احســـاس کنند که آمادگی جنگیدن ندارید، جنگ را بر شما تحمیل خواهند کرد. آمادگی برای جنگ همچنین نباید منجر به اضطراب برای جنگ، التهاب برای جنگ شـــود. ایـــن مدیریت، کار بسیار هنرمندانه‌ای است که به هر حال مجموعه مسئولین کشور در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، روانی، رسانه‌ای باید به آن توجه کنند. ما نه باید اجازه دهیم که جامعه گرفتـــار التهاب و اضطراب شـــود و نه اینکه دچـــار خوش‌بینی و خوش‌خیالی غیرواقعی شویم. ما برای مذاکره الان طـــرح داریم، ولی بدانیم که این معنایش این نیست که مذاکره جلوی جنـــگ را می‌تواند بگیرد. یک ماه، دو ماه از تجربه بســـیار اخیرمان نگذشته است.

وی همچنیـــن گفت: بازگشـــت بازرســـان بـــر مبنای قانـــون مجلس امکان‌پذیر خواهد بود، یعنی با تشخیص شـــورای عالی امنیت ملی. من اجازه می‌خواهـــم یک مثال بزنـــم که برای همه مردم روشـــن شود. ما نمی‌توانیم همکاری بـــا آژانس را به صورت کامل قطع کنیـــم. مثلاً حدود یـــک ماه یا یک مـــاه و نیم دیگـــر نوبت تعویض ســـوخت نیروگاه بوشـــهر است و این تعویض سوخت باید در حضور بازرسین آژانـــس صورت بگیـــرد، بنابراین باید بازرسی باشند تا بتوانیم این کار را انجام دهیم. خود مسئولین روسی نیروگاه هم به ما می‌گویند که در این کار تســـریع کنیم تا بتوانیم این کار را انجام دهیم، وگرنه طبق قوانین نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم. این یکی از موضوعاتی است که در مدالیته باید مشخص شود.

وزیر امور خارجه همچنین افزود: قطع همکاری با آژانس یکی از تبعات خروج از ان‌پی‌تی است؛ نمی‌توان هم داخل ان‌پی‌تی بود و هم این کار را نکرد. یعنی هم هزینه خروج را پرداخت کرد و هم عملاً خارج نشد.

عراقچی در ادامه عنوان داشـــت: در جلســـاتی که با طرف‌های اروپایی داشـــتیم، تأکید آن‌ها نیـــز بر همین موضوع بوده اســـت که باید ببینیم بر چه مبنایـــی می‌توانیـــم وارد مذاکره شویم. بنده در یکی از جلسات از آن‌ها پرسیدم که یک دلیل ارائه دهید که چرا ما باید با شما مذاکره کنیم؟ شما کدام تحریم یا تهدید را می‌توانید بردارید یا حل‌وفصل کنید؟

وی افزود: آن‌ها اکنون تنها ابزاری که فکر می‌کنند در اختیار دارند همین اسنپ‌بک اســـت. در این خصوص نیز موضـــع خود را به‌روشـــنی برای آن‌ها تبیین کردیم: اولاً، شـــما اساســـاً حق اســـتفاده از اســـنپ‌بک را ندارید، زیرا پس از خـــروج آمریـــکا از برجام و با مواضع اخیرتان- از جمله طرح موضوع «غنی‌سازی صفر»- عملاً خود شما نیز از برجام خارج شده‌اید. بنابراین، دیگر به‌عنـــوان مشـــارکت‌کننده در برجام شناخته نمی‌شـــوید و حق اسنپ‌بک مختص اعضای باقی‌مانـــده در برجام اســـت. ثانیـــاً، حتی اگر فـــرض کنیم که حق دارید از اســـنپ‌بک اســـتفاده کنید، در صورت انجام آن، چه اتفاقی خواهـــد افتاد؟ اولاً، نقش اروپا در روند دیپلماتیک کاملاً به پایان می‌رســـد؛ ابزاری را استفاده کرده‌اید و تمام شده اســـت. پس از آن چه می‌ماند؟ پایان دیپلماسی؟

بقیه در صفحه۱۱

به جای گفت و شنود

از دیده نیامده بودند که از دل بروند

این روزها، در آســـتانه سالروز رحلت رسول خدا(ص)، شهادت امام حسن مجتبی(ع) و امام رضا(ع) و در حالی که دل‌ها در سوگ آن بزرگواران داغدار و چشم‌ها در ماتم آن عزیزان علیهم‌السلام اشکبار است، این ستون را به بخشی از یک یادداشت کیهان اختصاص می‌دهیم؛

در جریان جنگ احد، هنگامی که شایعه شهادت رسول خدا(ص) بر ســـر زبان‌ها افتاد، جماعتی از مؤمنان که با رفتن او، همه چیز را از دست رفته می‌دیدند، غمگین و دل‌پریش، پای از میدان پس کشیدند و خداوند ســـبحان، آنان را ملامت فرمود که: «اگر رسول خدا(ص) رحلت کند یا به شهادت برسد، آیا به گذشته‌ها باز می‌گردید؟» و آنان که پا پس کشیده بودند، سر از شرم به‌گریبان بردند و بر غفلت خود حسرت خوردند که آنچه ماندگار است، رسالت رسول خداست، اگر چه رفتن او نیز بر مؤمنان سخت و ناگوار است.

و ســـرانجام، آن روز، نه در احد، که چند سال بعد فرا رسید و رسول خدا(ص) دامن از خاک کشـــید و از دنیایی که هرگز به آن دل نبســـته بود، رخت بربســـت و امت نه فقط در آن روز که برای همیشـــه تاریخ به سوگ او نشســـت و از آن روز تا به امروز، پیوســـته زمزمه می‌کند که «فَمَا أَعْظَمَ الْمُصِيبَةَ بِک حَيثُ انْقَطَعَ عَنَّـــا الْوَحْی وَ حَيثُ فَقَدْنَاک- چه سخت و بزرگ است مصیبت از دست دادن تو و محروم شدن ما از وحی...»

آن روز، جماعتی که با ظهور اســـلام، حاکمیت اشرافی خویش را از دست داده بودند، در این پندار که با رفتن پیامبر خدا(ص)، «پیام» او نیز خواهد رفت، و بی‌خبر از راز دلدادگی مردم به رســـول‌الله(ص)، که راز ماندگاری اســـلام است، دل به این توهم داده بودند که «از دل برود، هر آن‌که از دیده برفت»، اما، یاد و نام و راه او، نه فقط در میدان چشم‌ها و آویزه گوش‌ها، بلکه آمیزه دل‌ها بود، از دیده نیامده بود که با رفتنش از دل‌ها برخیزد، و چنین است که از آن روز تا به امروز و از این پس نیز، خیل عظیم مســـلمانان، نادیده، دل در گرو او دارند و به راهش سر می‌سپارند و هیچ صاحبدلی نیست که صاحب «دل» باشد و در آن دل، رسول خدا(ص) و ائمه اطهار علیهم‌السلام نباشند.

این داســـتان اما، روی دیگری هم داشته و دارد که جان‌مایه آن است و آن اینکه، رسول خدا(ص) اگرچه می‌رفت ولی رسالت ماندنی بود، او خاتم پیامبران بود و نه ختم پیام و چنین بود که با رحلت رسول خدا رســـالت او بر زمین نماند و این گردونه پس از او نیز به چرخش ادامه داد و گردنه‌های سخت و نفس‌گیر را پشت سر گذاشت و چرخید و چرخید تا به دورانی رسید که به قول حکیمانه رهبر معظم انقلاب «عصر خمینی» بایســـته‌ترین واژه برای نامیدن آن اســـت. انقلاب اســـلامی بازهم به گفته حضرت آقا «بعثت دوباره بود » نه اینکه بر آنچه بود گزاره تازه‌ای افزوده شـــده باشد. امام راحل ما، غبار قرن‌ها بدعت و تحریف و بداندیشی و کج‌اندیشی و... را از چهره اسلام زدود و اسلام ناب محمدی(ص) را همان‌گونه که در صدر بود عرضه فرمود. این دفعه اما، دنیای اسلام و ملت‌های مسلمان، تجربیات تلخ و شیرین هزار و چهار صد و چند سال گذشته را نیز با خود داشتند. احد بود اما از تنگه غنیمت زخم بر نداشتیم. صفین بود ولی از پاره‌های قرآنی که بر نیزه کرده بودند فریب نخوردیم. مدینه مظلوم دوران امام حسن(ع) تکرار شد ولی تیراندازان به پیکر مطهر حضرتش را با تیر زدیم. کربلا به تکرار نشســـت، اما این دفعه یزید و یزیدیان را قلع و قمع کردیم و... سقف ظلمت‌زده فلک را شکافتیم و طرحی نو درانداختیم و امام راحلمان رضوان‌الله تعالی‌علیه درباره مردم این زمانی می‌فرمود: «من با جرأت مدعی هســـتم که ملت ایران و تـــوده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رســـول‌الله -صلی‌الله علیه و آله- و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حســـین بن علی- صلوات‌الله و سلامه علیهم- می‌باشند».

خبر ویژه

ترامپ در جنگ با ایران شکست خورد، این هم دلیلش!

دونالد ترامپ اذعان کرد که هیچ کس نمی‌پذیرد او در جنگ با ایران پیروز شده است.

وی در گفت‌وگـــو با فاکس نیـــوز ادعا کرد ایران تنها در عرض چهار هفته قادر به توسعه سلاح هسته‌ای بود، اما حملات آمریکا مانع آن شد.

ترامپ، شریک جنایت خود «بنیامین نتانیاهو» را «قهرمان جنگ توصیف کرد و گفت: فکر می‌کنم من هم قهرمان جنگ باشم، من کسی بودم که آن هواپیماها را برای بمباران تاسیسات هسته‌ای فرستادم، اما هیچ‌کس این را نمی‌پذیرد».

در همین حال، وبســـایت تحلیلی میدل ایســـت مانیتور، اذعان کرد اقدام نظامی آمریکا شکست خورده است.

میدل ایست مانیتور با طرح این سؤال که «بزرگ‌ترین خطای تحلیلی ترامپ چه بود؟»، نوشت: نادیده گرفتن تفاوت بنیادی میان پرونده هسته‌ای ایران و موارد عراق، ســـوریه و لیبی، بزرگ‌ترین خطای تحلیلی دولت او بود. مهار توسعه هسته‌ای ایران از طریق «استراتژی توسل به زور» با محدودیت‌هایی مواجه است. ترامپ و سران اسرائیل ماهیت برنامه هســـته‌ای ایران را به‌طور بنیادین، نادرســـت ارزیابی کردند. کارزار فشار حداکثری که در نهایت با حمله نظامی مشترک به اوج خود رسید، هیچ تأثیر ملموسی بر خنثی‌سازی توانمندی‌های هسته‌ای تهران نداشت. ایران در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ موفق شد واقعیتی غیرقابل بازگشت در زمین ایجاد کند و چرخه دانش هسته‌ای زنجیره‌ای از تخصص را به راه بیندازد.

این تغییر، میدان دیپلماســـی و ماهیت مذاکرات را بازتعریف کرد. برخلاف عراق، سوریه یا لیبی، ایران صرفاً زیرساخت هسته‌ای وارد و نصب نکرد، بلکه دانش هسته‌ای را از طریق تأسیس دانشکده‌های فیزیک هسته‌ای در دانشگاه‌های خود، آموزش چندین نسل از دانشـــجویان و توسعه تخصص علمی و مهندسی بومی، بومی‌سازی و نهادینه کـــرد. دقیقاً به همین دلیـــل بود که دولت باراک اوباما، راهبرد مهار را برگزید و تلاش کرد ظرفیت هسته‌ای ایران را از طریق یکی از سخت‌گیرانه‌ترین رژیم‌های بازرسی که تاکنون از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجرا شده، مدیریت کند.

اسرائیل به‌خوبی از گسترش پایگاه دانش هسته‌ای و زیرساخت‌های ایران آگاه بود. از همین‌رو، افرادی مانند مئیر داگان، رئیس پیشین موساد، کارزار مخفی خرابکاری را برای مختل‌سازی آغاز کردند. این استراتژی شامل چند مرحله توسعه ویروس استاکس‌نت برای آســـیب زدن به زنجیره‌های سانتریفیوژ در سایت‌های غنی‌سازی و دوم، تشدید خطرناک‌تر ماجرا از طریق ترور دانشـــمندان هســـته‌ای بود. این نخستین‌بار در تاریخ معاصر بود که ائتلافی از دولت‌ها کوشیدند دانش علمی کشوری دیگر را سرکوب کنند. با این‌حال، کارزار فشـــار آمریکا و اســـرائیل، علی‌رغم بیش از دو دهه تداوم، جز ایجاد تأخیرهای کوتاه‌مدت ثمری نداشت. حتی پس از مجموعه‌ای از حملات نظامی و ترور دست‌کم ده چهره کلیدی در برنامه هسته‌ای ایران، دلایل کافی برای باور به این وجود دارد که ایران در نهایت قادر خواهد بود توانمندی‌های خود را احیا کند.

نادیده گرفتن تفاوت بنیادی میان پرونده هســـته‌ای ایران و موارد عراق، سوریه و لیبی، بزرگ‌ترین خطای تحلیلی دولت ترامپ بود. این برداشت نادرست تا حد زیادی تحت تأثیر نخست‌وزیر اسرائیل شکل گرفت؛ کسی که هویت سیاسی خود را بر مخالفت با بلندپروازی‌های هسته‌ای ایران استوار کرده است. اما واقعیت این است که هیچ اخلال معناداری در توانمندی‌های هسته‌ای ایران ایجاد نشده است. مقام‌های ایرانی بارها اعلام کرده‌اند که هرگز هیچ فرمولی را که شامل تعطیلی پایگاه دانش هسته‌ای یا توقف کامل غنی‌سازی باشد، نخواهند پذیرفت.

سیاست‌گذاران آمریکایی باید این نکته را نیز دریابند که حافظه ملی ایران به‌شدت نسبت به فشار خارجی حساس است و می‌تواند به‌سادگی موجی قدرتمند از مقاومت میهن‌پرســـتانه را برانگیزد. یکی از عوامل کلیدی پشت انقلاب ۱۹۷۹، کودتای ۱۹۵۳ مورد حمایت ســـیا علیه نخســـت‌وزیر محمد مصدق بود که به روی کار آمدن رژیمی منجر شد که در نگاه بسیاری از ایرانیان با تسلیم شدن در برابر منافع غرب در ماجرای نفت، به ملت خیانت کرد.

موج اخیر حملات نظامی و ترورها در جریان جنگ ۱۲ روزه، خیزشی از احساسات میهنی را برانگیخـــت. برای بخش قابل‌توجهی از ایرانیان، هیچ توجیهی برای تخریب زیرســـاخت‌های علمی یا قتل دانشمندان هســـته‌ای وجود ندارد. اگر سیاست‌گذاران آمریکایی فرضیات نادرســـت خود درباره ماهیت مسیر هسته‌ای ای